در روزی که ترامپ آن را «روز آزادی» نامید چه اتفاقی افتاد؟


چَد باون


سمیه کینز


داگلاس اروین


موری آبسفلد


کاتلین کلاسن

شرکت‌کنندگان:

میزبان: اندیشکده اقتصاد بین‌الملل پترسون
(۱۸ فروردین ۱۴۰۴)

شرکت‌کنندگان:
چَد باون: مشاور اقتصادی اوباما و مشاور اقتصادی وزارت خارجه بایدن
سمیه کینز: نویسنده مجله اکونومیست و ستون‌نویس روزنامه فاینانشال تایمز
داگلاس اروین: اقتصاددان با تخصص تجارت بین‌الملل
موری آبسفلد: اقتصاددان با تخصص تجارت بین‌الملل
کاتلین کلاسن: حقوقدان

«سمیه آنه کینز» ۳۷ ساله انگلیسی، فارغ‌التحصیل رشته اقتصاد از دانشکده «ترینیتی کالج» دانشگاه «کمبریج»، از سمت پدری نبیره‌ی دختری «چارلز داروین» طبیعت‌گرای بزرگ انگلیسی و از سمت مادری نوه «سِسیل هورانی» روشنفکر و دیپلمات لبنانی-بریتانیایی و مشاور سیاسی «حبیب بورقیبه»، رئیس‌جمهور تونس است. «سمیه»، پس از هشت سال کار در مجله اکونومیست به‌عنوان سردبیر بخش اقتصاد انگلیس و پوشش مباحث اقتصادی، تجاری و جهانی‌سازی در آنجا با محوریت پیامدهای سیاست‌های تجاری ترامپ در دور اول ریاست‌جمهوری او، به روزنامه «فاینانشال تایمز» آمد و ستون‌نویس این روزنامه شد. او موفق به کسب جایزه از «انجمن ویراستاران و نویسندگان اقتصادی آمریکایی» نیز شده است. سال ۲۰۱۸ با «پاتریک هریس» موسیقی‌دان ازدواج کرد و این زوج سال ۲۰۲۳ صاحب پسری به نام «کاسپر» شدند. در حال حاضر دومین فرزند خود را باردار است. آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها گاه او را «سومایا» و گاه «سوما» صدا می‌کنند. اما او خود را «سومیِه» معرفی می‌کند، ما همان اسم «سمیه» را برایش بکار می‌بریم که به ریشه عربی مادری او برمی‌گردد.

«چَد پی. باون» آمریکایی، فارغ‌التحصیل اقتصاد از دانشگاه «ویسکانسین-مدیسن»، متخصص تجارت بین‌الملل و تحلیل‌گر ارشد نهادهای اقتصادی معتبر چون «مؤسسه پترسون برای اقتصاد بین‌الملل» است. او اقتصاددان ارشد وزارت خارجه آمریکا (۲۰۲۴-۲۰۲۵) و مشاور اقتصادی کاخ سفید در دوران اوباما (۲۰۱۰-۲۰۱۱) نیز بوده است. تمرکز اصلی مطالعات او بر اقتصاد سیاسی تجارت، منازعات سازمان تجارت جهانی و اثر تعرفه‌ها بر زنجیره‌های تامین است و از منتقدان سیاست‌های تجاری ترامپ و اثرات منفی جنگ تجاری چین و آمریکا بر اقتصاد جهانی به حساب می‌آید. «باون» یکی از تأثیرگذارترین صداها در تحلیل‌های تجاری شناخته می‌شود و نقش به‌سزایی در مشاوره به دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی داشته است.

«کینز» و «باون» از سال ۲۰۱۷ پادکست «گفت و شنود تجاری۱» را راه‌اندازی کردند که تا کنون بیش از ۲۰۰ اپیزود آن منتشر شده و پیچیدگی‌های سیاست تجارت بین‌الملل را از منظر این دو اقتصاددان پوشش می‌دهد که به شدت مورد توجه اقتصاددان مطرح جهان قرار گرفته است. در هر پادکست «گفت و شنود تجاری» معمولا یک اقتصاددان تراز اول جهانی حضور پیدا می‌کند. سه روز پیش (۳ آوریل) در شماره ۲۰۷ این پادکست این دو اقتصاددان در خصوص «آنچه در روز آزادی ترامپ اتفاق افتاد» گفت و شنودی داشتند که در ادامه آمده است. مهمانان این برنامه دو اقتصاددان مطرح عرصه تجارت بین‌الملل «داگلاس اروین» و «موری آبسفلد» بودند. «اروین» تا کنون هفت کتاب مهم در خصوص تجارت نوشته که آخرین آن «مناقشه بر سر تجارت: تاریخ‌نگاری سیاست‌های تجاری آمریکا» است و «آبسفلد» با «پل کروگمن» کتاب «تجارت بین‌الملل»، با «رودی دورنبوش» کتاب «پول، جابجایی سرمایه و تجارت» و با «کنت روگوف» کتاب «مبانی اقتصاد کلان بین‌الملل» را نوشته است. بانوی حقوقدان به نام «کاتلین کلاسن» نیز در ادامه به آن‌ها پیوست.

مقدمه

چَد باون: روز چهارشنبه، دوم آوریل، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، آنچه را که «روز آزادی» می‌نامید، جشن گرفت. او این کار را با محدود کردن آزادی تجاری آمریکا انجام داد. ما آن روز را «روز آزادی» نخواهیم نامید. از نظر ما، این روز همواره «روز تعرفه» باقی خواهد ماند. اما چه اتفاقی در حال رخ دادن است و معنای همه این‌ها چیست؟ شما در حال شنیدن یک قسمت از پادکست «گفت و شنود تجاری» هستید، برنامه‌ای که به اقتصاد تجارت و سیاست‌گذاری می‌پردازد. من، «چَد باون»، میزبان شما و پژوهشگر ارشد «مؤسسه پیترسون» در واشنگتن هستم. شاید متوجه شده باشید که گفتم «ما». دلیل این امر حضور مهمان ویژه‌ای در کنار من است.

سمیه کینز: درود به شما «چَد»

چَد باون: می‌خواهی خودت را معرفی کنی؟

سمیه کینز: با افتخار. من «سمیه کینز»، پیش از این همکار پادکست «گفت و شنود تجاری» شما و هم اکنون تحلیلگر روزنامه فایننشال تایمز و مجری برنامه صوتی تخصصی «جُنگ اقتصادی با سمیه کینز» هستم، هر چند در حال حاضر به دلیل مرخصی زایمان موقتا از فعالیت‌های حرفه‌ای معاف شده‌ام.

چَد باون: چرا گفتید همکار سابق پادکست «گفت و شنود تجاری»؟ گفته باشم که خروج دائم شما از این برنامه محال است. دوران مرخصی زایمان همراه با آرامش و تمدد اعصاب بوده؟

سمیه کینز: من که مبتلا به عفونت حاد دستگاه تنفسی هستم و این مقداری منجر به برخی تنش‌های روانی شده که از این بابت بخاطر صدایم از مخاطبان محترم پوزش می‌طلبم. مضافا اینکه، روز گذشته شاهد صحبت‌های ترامپ و سیاست‌های تعرفه‌ای او بودم که به جرات می‌گویم در جوی قرار گرفتم که هر چیزی داشت به جز آرامش. به‌نظر شما به رغم رویداد دیروز، می‌توان حرفی از آرامش زد؟

چَد باون: نه، متاسفانه به هیچ وجه

سمیه کینز: با اجازه، به اصل موضوع ورود کنم. من هم مثل خیلی‌های دیگر نشست مذکور را دنبال و موارد متعددی را ثبت کردم. نکته اولیه حائز اهمیت، تمایل ذاتی ترامپ به اطاله کلام بود. او عبارات متعددی را بیان کرد که بسیاری از جنبه محتوایی تکراری به‌نظر می‌رسید و همگی به فقدان اصل نفع دوسویه در روابط بین‌الملل اشاره داشت. همچنین در خصوص امنیت ملی آمریکا و فرآیند تضعیف تدریجی آن ابراز نگرانی می‌کرد و تصریح داشت که در حال حاضر آمریکا با نوعی وضعیت اضطراری ملی که کیان امنیتی و سبک حیات آن را به مخاطره انداخته مواجه است.

چَد باون: اوه! وقتی موضوع را اینگونه مطرح می‌کنید واقعا نگران‌کننده به‌نظر می‌رسد. بسیار خوب، ایشان وضعیت اضطراری ملی را اعلام کردند و تعرفه‌های زیادی هم وضع کردند که به زودی به بررسی آنها خواهیم پرداخت. اما پیش از آن، به‌نظرم ابتدا به این بپردازیم که ترامپ در «روز تعرفه» به چه چیزی نپرداخت و چه کالاهایی از این فهرست مستثنی شده بودند. مواردی چون مس، داروها، نیمه‌هادی‌ها، الوار، برخی

1. https://tradetalkspodcast.com

مواد معدنی حیاتی و محصولات انرژی که مشمول تعرفه‌های جدید نشدند. به گمانم حداقل در مورد برخی از این موارد باید انتظار داشت که در آینده محدودیت‌های تجاری اعمال شود، فقط هنوز زمان آن نرسیده است و ماجرا برای این اقلام هم به پایان نرسیده است. در مورد الوار و مس، اقدامات تجاری خاص مستقلی در حال انجام است. در مورد سایر بخش‌ها مانند فولاد و آلومینیوم، به این دلیل در فهرست نبودند که پیش از این مشمول تعرفه‌های ۲۵ درصدی شده بودند و ترامپ پیش از این نیز تعرفه‌های ۲۵ درصدی بر خودروها را اعلام کرده بود. این هم مساله بسیار مهمی است که این تعرفه‌ها از ساعت ۱۲ و ۱ دقیقه بامداد روز پس از «روز تعرفه» به اجرا درآمدند.

سمیه کینز: بررسی اسناد نشان می‌دهد که تعدادی از کشورها از شمول سیاست‌های «روز تعرفه» مستثنی شده بودند. حین سخنرانی ریاست جمهور، تابلوی بزرگی حاوی فهرست کشورها و نرخ‌های تعرفه‌ای جدید به نمایش گذاشته شده بود. من به ویژه به دنبال نرخ اعمال شده بر مکزیک و کانادا (به‌عنوان دو شریک تجاری اصلی آمریکا) در این فهرست بودم؛ چون در این زمینه تحقیقات متعددی کرده بودم. اما این دو کشور در فهرست مذکور نبودند. پس از انتشار رسمی سند، مسجل شد که مکزیک و کانادا درگیر پرونده‌های تجاری دیگری در دوران دولت ترامپ هستند. پیش از این ترامپ با استناد به «قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی» اقدام به اعمال تعرفه بر این دو کشور کرده بود. در تحلیل دستور اجرایی جدید صادر شده در «روز تعرفه»، ملاحظه می‌شود که این دو کشور به صورت خاص از شمول این دستور مستثنی شده‌اند. متن دستور اجرایی تصریح می‌کند که برای ارزیابی وضعیت این کشورها باید به سایر اقدامات اجرایی مراجعه کرد. در آن اقدامات، نرخ‌های تعرفه‌ای خاصی برای مکزیک و کانادا تعیین شده بود. لیکن با واکاوی جامع متن دستور اجرایی، نکته مهمی در بخش پایانی مستتر بود. به عبارت دقیق‌تر، حتی در صورت لغو سایر اقدامات اجرایی، نرخ تعرفه به سطح پیش از دوران ترامپ بازنخواهد گشت. نرخ تعرفه پایه جدید برای این کشورها ۱۲ درصد تعیین شده که افزایش قابل ملاحظه‌ای نسبت به دوره پیش از ترامپ پیدا کرده است.

چَد باون: برای مکزیک و کانادا یک سری استثنا وجود داره (بعضی محصولات می‌توانند حتی از نرخ ۱۲ درصدی هم معافیت بگیرند) دلیل آن هم دو چیز است: اول اینکه آمریکا نمی‌خواهد واردات نفت مقرون‌به‌صرفه از کانادا قطع شود، دوم اینکه می‌خواهد مقررات «موافقتنامه تجاری آمریکا-مکزیک-کانادا» سر جای خود باقی بماند. پس کالاهایی که مطابق این توافقنامه تولید شوند می‌توانند بدون پرداخت تعرفه وارد بازار آمریکا شوند. ولی مابقی کالاها حتماً باید همین ۱۲ درصد رو پرداخت کنند.

سمیه کینز: به‌احتمال زیاد، این اقدام با هدف ایجاد نوعی اهرم فشار بر مذاکره‌کنندگان کانادایی و مکزیکی صورت گرفته است. باید منتظر ماند و دید که آیا آن‌ها این نرخ پایه‌ی جدید را خواهند پذیرفت یا خیر. گمان می‌کنم چنین نکنند.

چَد باون: در متن فرمان اجرایی، بندی نیز به برنامه‌ی «دِ مینیمایزس» اختصاص یافته بود (برنامه‌ای که به آمریکا اجازه می‌دهد محموله‌های وارداتی با ارزش پایین بدون پرداخت تعرفه وارد شوند). این سیاست، به‌جز در قبال چین، برای سایر کشورها فعلا پابرجا خواهد ماند؛ یا دست‌کم تا زمانی که «سازمان گمرک و حفاظت مرزی آمریکا» امکان اجرایی‌سازی سازوکار اخذ تعرفه‌های مربوطه را فراهم کند.

سمیه کینز: بسته‌های کوچک غیرچینی هم فعلا از شمول تعرفه‌های «روز تعرفه» مستثنی مانده‌اند، گرچه در آینده احتمالا مشمول خواهند شد. چند نکته‌ی دیگر هم در جریان بحث‌ها مطرح شده است. افراد ناآشنای زیادی که اطلاعی از حوزه‌ی تجارت ندارند، در این جمع‌بندی دست داشته‌اند. تجارت خدمات مشمول تعرفه نمی‌شود (دست‌کم تا این لحظه، چنین سازوکاری وجود نداشته و روسیه هم در فهرست دولت ترامپ قرار نداشت. علت این امر آن است که روسیه تحت مجموعه‌ای متفاوت از سیاست‌ها قرار گرفته است. پس از حمله‌ی روسیه به اوکراین، دولت آمریکا با قاطعیت مخالفت کرد. این رخداد، از نظر واشینگتن، بسیار منفی بود. در نتیجه، تحریم‌های فراوان و محدودیت‌های تجاری شدید اعمال شد و تجارت دوجانبه میان آمریکا و روسیه تقریبا به حالت تعلیق درآمد. در سال ۲۰۲۴، مجموع واردات آمریکا از روسیه تنها حدود ۳.۵ میلیارد دلار بوده است، رقمی بسیار ناچیز. آمریکا حتی از کشورهایی مانند رومانی و گواتمالا واردات بیشتری داشته تا از روسیه. پس فعلا دغدغه زیادی در مورد روسیه در خصوص مسائل «روز تعرفه» نداریم.

ترامپ روز تعرفه چه اقلامی را مشمول تعرفه کرد؟

چَد باون: بیایید ببینیم رئیس‌جمهور ترامپ در «روز تعرفه» دقیقا چه اقلامی را هدف وضع تعرفه قرار داد.

سمیه کینز: اکثر کشورها برای کلیه‌ی کالاهای غیرمشمول دیگر، با تعرفه‌ای بیشتر معادل ۱۰ درصد مواجه خواهند شد. این رقم بیشتر، علاوه بر تعرفه‌های پیشین است. برای مثال، یک کالای فرضی مانند «چمدان پلاستیکی» را در نظر بگیرید: نرخ تعرفه‌ی واردات آن در آمریکا، پیش از دوران ترامپ، ۲۰ درصد بوده است. اما از روز شنبه، ۵ آوریل، این نرخ به ۳۰ درصد افزایش می‌یابد. این افزایش حتی در صورتی اعمال می‌شود که کشور شما با آمریکا دارای کسری تراز تجاری باشد، یا حتی ذیل یک توافق‌نامه‌ی تجارت آزاد با آمریکا قرار گرفته باشد. و در مورد استرالیا؟ متأسفم، این ۱۰ درصد شامل حال شما هم می‌شود.

چَد باون: این تصمیم، می‌توانست خود به‌تنهایی تحولی بزرگ تلقی شود، اما ماجرا از این هم فراتر می‌رود. روز چهارشنبه، ۹ آوریل، کشورهایی که در تجارت کالایی با آمریکا دارای مازاد تجاری هستند، با افزایشی دوباره در نرخ تعرفه‌ها مواجه خواهند شد. برای هر کشور، عدد تعرفه‌ای مشخصی بر مبنای فرمولی معین محاسبه شده که متن آن از سوی «نمایندگی تجاری آمریکا» به‌صورت عمومی در وب‌سایت رسمی این نهاد منتشر شده است.

سمیه کینز: بیشتر کشورها، رقم تعرفه‌ای مختص به خودشان را دریافت کرده‌اند، هدیه‌ای به ظاهر اختصاصی، اما در واقع پاداشی تلخ که هیچ لذتی در پی نخواهد داشت. به اتحادیه‌ی اروپا نرخ ۲۰ درصد تعلق گرفته، چین با نرخ ۳۴ درصد مواجه است و کامبوج باید تعرفه‌ای معادل ۴۹ درصد را بپذیرد. انگلیس تنها مشمول نرخ پایه شده؛ یعنی همان تعرفه‌ی ۱۰ درصدی. اگر همان چمدان پلاستیکی را مثال بزنیم: نرخ تعرفه‌ی آن پیش‌تر ۲۰ درصد بود. حالا اگر از بریتانیا وارد شود، تعرفه به ۳۰ درصد می‌رسد؛ اگر از اتحادیه‌ی اروپا باشد، نرخ تعرفه آن ۴۰ درصد خواهد بود. و کامبوج که راستش نمی‌دانم که آیا اصلا دیگر چمدان پلاستیکی به آمریکا صادر می‌کند یا نه اما اگر چنین صادراتی صورت بگیرد، باید با تعرفه‌ی سنگین ۶۹ درصدی روبه‌رو شود.

چَد باون: نخستین پرسش تخصصی که ذهن همه‌ی تحلیل‌گران را درگیر کرد این بود: این ارقام دقیقا بر چه مبنایی محاسبه شده‌اند؟ چه رخدادی در پس پرده جریان داشته که به طراحی آن پوستر عظیم‌الجثه‌ای انجامیده که رئیس‌جمهور با افتخار آن را به نمایش گذاشته بود؟ دوستان، پاسخ این است: پای یک محاسبه جبری در میان بوده و لابد فکر می‌کنید با فرایندی بسیار پیچیده و هوشمندانه طرف هستیم! اما در عمل، فرمول بسیار ساده است: رقم کسری تراز تجاری را بر حجم واردات تقسیم و سپس عدد حاصل را مجددا بر دو تقسیم کنید. طبق اظهارات یکی از مشاوران رئیس‌جمهور در مصاحبه با روزنامه‌ی نیویورک پست، دلیل تقسیم نهایی بر دو را «نگاه ملایم و شفقت‌آمیز» رئیس‌جمهور نسبت به جهان عنوان کرده است!

سمیه کینز: بسیاری از منتقدان این فرمول را به تمسخر گرفته‌اند. در یکی از پست‌ها به طعنه گفته بودند "تعرفه کشور شما برابر است با نشان فلکی‌تان، تقسیم بر تعداد پسرانی که بوسیده‌اید، ضربدر یک!". قصد ندارم ادعا کنم که این محاسبه خیلی از نظر پیچیدگی و عمق فراتر از چنین کنایه‌هایی می‌رود، اما به‌طور قطع به‌نظر می‌رسد که ملاحظات بیشتری در این فرمول مد نظر سیاست‌گذار بوده است. بگذارید تلاش خودم را بکنم و توضیح دهم که هدف از این فرمول دقیقا چه بوده است. در اصل، کاری که آنها انجام دادند این بود که پرسیدند، "برای آنکه واردات به میزان قابل توجهی کاهش یابد و کسری تجاری از بین برود، به چه میزان تعرفه نیاز داریم؟" به‌عبارت دیگر، آنها ابتدا فروضی در مورد حساسیت واردات نسبت به تعرفه‌ها داشته‌اند و برای این فروض فرمول مورد نظر را شکل داده‌اند. در این راستا، گرچه سعی کرده‌اند به مقالاتی استناد کنند که حساسیت‌های تعرفه‌ای و تغییرات قیمت‌ها در اثر تغییرات تعرفه‌ها را بررسی کرده‌اند، اما در واقع این فرایند، تمرینی ساده بوده است. این روش به‌طور کلی پیچیدگی زیادی ندارد و برخی فرضیات آن کاملا افراطی است. از جمله اینکه فرض می‌کند صادرات تحت تاثیر تعرفه‌ها قرار نمی‌گیرد. این فرمول به‌هیچ‌وجه متناسب با موانع تجاری ناعادلانه نیست، اما هدف اصلی آن بوده که به رئیس‌جمهور اعداد قابل توجهی از تعرفه‌ها ارائه و به خواسته‌های او پاسخ داده شود. البته قرار بوده خیلی اعداد بزرگی هم نباشند، چون نهایتا ترامپ گفته بود که آن‌ها را بر دو تقسیم کنند. من به شخصه بیشتر به پایداری این ارقام فکر می‌کنم. کسری‌های تجاری می‌توانند نوسانات زیادی داشته

باشند. آیا ممکن است برخی از کشورهای کوچک تنها به‌خاطر آنکه این فرمول که صرفا سال خاص را مد نظر قرار داده و نه سال پیش از آن را، دچار بدشانسی شده باشند؟ به گمانم تحلیل‌های بیشتری در مورد این فرمول در آینده انجام خواهد شد.

چَد باون: شکی نیست در این نگاه عناصر بسیاری وجود دارد که از منظر عقلانی و روش‌شناسی اقتصادی محل تردید جدی‌اند. اما یکی از تبعات نهفته‌ی این فرمول آن است که برخی کشورهای بسیار کوچک و کم‌درآمد، به‌شدت متضرر خواهند شد. نتیجه‌ی چنین الگویی، ظهور نمونه‌هایی شگفت‌انگیز و تا حدی غیرمنصفانه است. به‌عنوان نمونه، کشور ماداگاسکار مشمول تعرفه‌ای معادل ۴۷ درصد شده است. این در حالی است که ماداگاسکار در تعاملات تجاری و سیاسی، فاقد ابزارهای مؤثر در چانه‌زنی با دولت ترامپ است. یا فرضا کشور کامبوج را در نظر بگیرید؛ کشوری که نه تهدیدی بنیادین برای منافع آمریکا محسوب می‌شود و نه دارای نقش سیستماتیک در زنجیره تأمین جهانی است، اما طبق این فرمول، با نرخ تعرفه‌ای برابر با ۴۹ درصد مواجه شده است؛ رقمی که حتی بالاتر از سطح اعمال‌شده برای کشوری چون چین است.

سمیه کینز: در واکنش به این سیاست، بسیاری از تحلیل‌گران اقتصادی از شدت بالای تعرفه‌های اعمال‌شده بر برخی کشورهای آسیای شرقی غافلگیر شدند. به‌ویژه کشورهایی چون ویتنام، تایوان و تایلند با نرخ‌های تعرفه‌ای مواجه شدند که به‌مراتب فراتر از پیش‌بینی‌های اولیه بود. این تصمیم به‌طور مستقیم برای مدیران ارشد شرکت‌هایی که استراتژی «چین به‌علاوه یک» را اتخاذ کرده بودند، تبعات جدی به‌دنبال داشته است. طی سالیان اخیر، منطق این راهبرد بر این فرض استوار بود که به‌واسطه تنش‌های ژئوپلیتیکی میان واشنگتن و پکن، می‌توان بخشی از خطوط تولید یا تامین را به کشورهایی چون ویتنام منتقل کرد. با این حال، در «روز تعرفه»، روشن شد که چنین انتقالی تضمین‌کننده معافیت از تعرفه‌ها نخواهد بود؛ چراکه صادرات از ویتنام به بازار آمریکا همچنان مشمول تعرفه شده است. در این چارچوب، ویتنام با نرخ تعرفه‌ای برابر با ۴۶ درصد مواجه شده است.

چَد باون: در میان بندهای مهم دستور اجرایی، نکته‌ای حائز اهمیت آن است که تعرفه‌های جدید بر آن بخش از کالاها اعمال می‌شوند که محتوای غیرآمریکایی دارند و چنانچه حداقل ۲۰ درصد از ارزش نهایی کالای وارداتی ناشی از اجزایی با منشا تولید در آمریکا باشد، می‌توانند معافیت بگیرند. به‌عبارت دیگر، اگر محصولی، مثلا یک قطعه فنی یا یک ابزار صنعتی، محتوایی دارد که دست‌کم یک‌پنجم از ارزش کلی آن را تشکیل می‌دهد و در ابتدا در آمریکا تولید شده باشد، آن بخش از کالا مشمول پرداخت تعرفه نخواهد شد.

سمیه کینز: می‌خواهم بر این نکته تاکید کنم که رژیم جدید تعرفه‌ای تا چه حد دگرگونی‌ای ساختاری در نظم تجاری آمریکا به‌حساب می‌آید. در نظام قبلی، در بسیاری از حوزه‌های تجارت بین‌الملل، منشأ جغرافیایی کالا تأثیر چندانی بر فرآیند واردات نداشت. اما در این چارچوب تازه، منشأ کالا به یکی از متغیرهای کلیدی تبدیل شده، چرا که به‌طرز تعیین‌کننده‌ای بر سطح تعرفه‌ای که باید پرداخت شود اثر می‌گذارد، در غیاب هرگونه توافق تجاری رسمی. این تغییر ماهوی به‌احتمال زیاد، حجم عظیمی از بار اداری و فرآیند مستندسازی را بر دوش بنگاه‌های اقتصادی خواهد گذاشت؛ چراکه آن‌ها موظف خواهند بود منشا دقیق کالاهای خود را برای هر محموله به اثبات برسانند و اگر از زاویه‌ای کلان‌تر نگاه کنیم، شاید در شرایط جدید، مزیت رقابتی شرکت‌ها نه از رهگذر توانمندی در تولید بهینه با هزینه‌ی پایین، بلکه به‌واسطه‌ی مهارت در تکمیل فرم‌ها و پاسخ‌گویی به الزامات بوروکراتیک شکل گیرد. و باید گفت که به‌سختی می‌توان این سناریو را مطلوب تلقی کرد. خب، «چَد»، چرا ما را در جریان تحولات مربوط به چین قرار نمی‌دهی؟ چون در این بخش، هنوز ابهامات فراوانی وجود دارد.

چَد باون: اگر با نگاهی کل‌نگرتر به ماجرا بنگریم، باید گفت که ساختار تعرفه‌ای آمریکا علیه چین، از همان آغاز دوره‌ی دوم ریاست‌جمهوری ترامپ، به‌شدت متورم و تنش‌آلود بود؛ چراکه میراث جنگ تجاری نخست ترامپ، پیشاپیش میانگین تعرفه‌ها را به سطحی بالاتر از ۲۰ درصد رسانده بود. در ادامه، ظرف دو ماه نخست دوره‌ی دوم، دولت ترامپ بار دیگر تعرفه‌ها را به میزان ۲۰ درصد افزایش داد. اکنون، با احتساب موج جدید تعرفه‌ها که در «روز تعرفه» اعلام شد، از نهم آوریل به بعد، میانگین نرخ‌های تعرفه‌ای بر کالاهای چینی به بیش از ۷۰ درصد خواهد رسید. اما ماجرا هنوز به پایان نرسیده است. اگر دولت چین همچنان به واردات نفت خام از ونزوئلا ادامه دهد، در حالی که رئیس‌جمهور

ترامپ هفته‌ی گذشته طی یک فرمان اجرایی مستقل تصریح کرد که این اقدام مشمول تعرفه‌ای ۲۵ درصدی خواهد شد، در آن صورت، با جمع‌بندی و هم‌افزایی تمامی این اقدامات تعرفه‌ای، به‌راحتی می‌توان جهانی را تصور کرد که در آن، میانگین تعرفه برای واردات کالا از چین به آمریکا، به آستانه‌ی ۱۰۰ درصد نزدیک شود.

سمیه کینز: می‌خواهم در اینجا یک نکته‌ی تحلیلی بسیار دقیق و عمیق مطرح کنم و بگویم که این یک تعرفه‌ی بسیار سنگین است، و عملا برای صادرکنندگان یا خرده‌فروشان، جذب کامل آن تقریبا غیرممکن خواهد بود. پس خوش بگذرد، مصرف‌کننده‌ی آمریکایی!

چَد باون: آخرین نکته در مورد چین و «روز تعرفه»: رئیس‌جمهور ترامپ به‌صورت جداگانه فرمان اجرایی دیگری صادر کرد که طبق آن، از تاریخ دوم ماه می، رژیم معافیت «حداقل ارزش» یا همان «د مینیمایز» برای واردات از چین لغو می‌شود. چرا؟ چون ظاهرا زیرساخت‌های لازم برای دریافت کامل تعرفه‌ها از بسته‌های کم‌ارزش ارسالی توسط پلتفرم‌های چینی مثل «تمو» و «شین» حالا دیگر فراهم شده است

سمیه کینز: چند نکته‌ی دیگر از دل این فرمان اجرایی: اگر کسی تلافی کند، یا اگر خروجی تولید صنعتی کاهش پیدا کند، ترامپ وعده داده که قدم‌های محکم‌تری برخواهد داشت، یعنی محدودیت‌های تجاری بیشتر، تعرفه‌های سنگین‌تر؛ خلاصه، اوضاع قراره خیلی «جذاب» بشه!

چَد باون: این نکته از آن جهت مهم است که کاهش خروجی تولید صنعتی، در نتیجه‌ی همین موج تازه از تعرفه‌ها، کاملا محتمل است؛ و در بسیاری از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، انتظار می‌رفت در چنین شرایطی، خود تعرفه‌ها حذف یا حداقل کاهش یابند. اما در این فرمان اجرایی، ترامپ دقیقا خلاف چنین مسیر را در نظر دارد: اگر تولید افت کند، تعرفه‌ها ممکن است باز هم افزایش یابند. یک نکته‌ی نهایی هم این است که کالاهایی که پیش از ۵ آوریل بارگیری دریایی شده‌اند، از پرداخت این تعرفه‌ها معاف‌اند؛ احتمالا به این نیت که از ایجاد شوک یا اختلال در جریان فعلی زنجیره‌ی تامین جلوگیری شود.

از منظر تاریخی سطح تعرفه‌های اخیر در کجا قرار می‌گیرد؟

چَد باون: اکنون زمان آن رسیده که به تاریخ مراجعه کنیم. در همین راستا، از «داگ اروین» پژوهشگر برجسته‌ی مؤسسه‌ی «پترسون»، تاریخ‌پژوه سطح اول سیاست‌های تعرفه‌ای، و یکی از دوستان همیشگی پادکست درخواست کردم تا این موج از افزایش تعرفه‌ها را در بستری تاریخی برای ما بررسی و تحلیل کند.

داگلاس ایروین: هنگامی که به این موضوع از منظر تاریخی نگاه می‌کنم، تعرفه‌های «اسموت-هاولی» (*) از همان ابتدا به‌طور نسبی بالا بودند و سپس به تدریج افزایش هم یافتند. در مقایسه با آن تعرفه‌ها، در اینجا ما با یک شرایطی جدید روبه‌رو هستیم که در آن همه کشورهای شریک تجاری در ابتدا تعرفه‌ای نسبتا پایین داشته‌اند. می‌دانم که شما مطالعات متعددی در این خصوص در مورد مورد چین انجام داده‌اید، چین مدت‌هاست که یک استثنا بوده است. اما برای سایر کشورها، همه دارای یک تعرفه پایه‌ی نسبتا پایین هستند، و حالا این تعرفه‌ها به سطوح بسیار بالایی افزایش می‌یابند. در سیاست‌های «اسموت-هاولی» تعرفه از ۳۶ درصد به ۴۲ درصد افزایش یافت که این معادل افزایش حدود شش درصد است. اما در اینجا مساله به‌مراتب بزرگ‌تر است؛ زیرا ما با تعداد زیادی از شرکای تجاری روبه‌رو هستیم که با برخی از آنها، نظیر استرالیا که با آمریکا توافق‌نامه تجارت آزاد دارد، تعرفه از صفر به ۱۰ درصد می‌رود و تعرفه‌های کشورهای دیگر نیز از ۲، ۳ یا ۴ درصد به‌طور میانگین به ۲۰ یا ۳۰ درصد افزایش می‌یابد. بنابراین، این یک تکانه عظیم به تجارت آمریکا است که قبلا مشابه آن را در تاریخ آمریکا شاهد نبوده‌ایم.

چَد باون: فقط یک وجه اعجاب‌برانگیز نظام تعرفه‌ای جدید است و البته وجوه متعدد دیگری هم دارد. درست است؟

داگلاس ایروین: من ۲۰۰ سال تاریخ سیاست تجاری آمریکا را تدوین کرده‌ام و در این مدت، برخی اقدامات بزرگ و تأثیرگذار در حوزه سیاست‌های تجاری رخ داده است. اما آنچه که پشت این تغییرات قرار دارد، یک اجماع سیاسی است، ائتلافی از ایالات شمالی یا جنوبی که گرد هم می‌آیند، حول یک پیشنهاد خاص توافق کرده، آن را از طریق کنگره به پیش می‌برند و با رئیس‌جمهور همکاری می‌کنند. بنابراین، بحث درباره سیاست

تجاری آمریکا همیشه وجود داشته، اما برای انجام تحولات بزرگ، به نیروی سیاسی زیادی نیاز است تا آن تحولات به مرحله اجرا درآید. متأسفانه، سیستم سیاسی ما به میزان زیادی دچار افول شده است و دلیل آن نیز واگذاری بسیاری از قدرت‌ها به رئیس‌جمهور است، با این فرض که رئیس‌جمهور با سیستم پس از جنگ، که مبتنی بر همکاری با کشورهای دیگر و کاهش موانع تجاری است، موافق خواهد بود. زمانی که بسیاری از این قدرت‌ها را واگذار می‌کردیم در نظر نداشتیم که ممکن است فردی با دیدگاهی کاملا متفاوت وارد عرصه شود و بدون اینکه ائتلاف سیاسی گسترده‌ای پشت سر خود داشته باشد، بدون اینکه یک اجماع سیاسی بر سر مسیر درست برای کشور وجود داشته، بدون اینکه بحثی در کنگره و مناظره‌ای در مورد لایحه‌ها در صحن مجلس نمایندگان یا صحن سنا اتفاق افتاده باشد، به صورت کاملا یک‌جانبه اقدام به این تغییرات تاریخی در خصوص نرخ‌های تعرفه‌ای آمریکا کند. وقتی این موضوع را از این ابعاد بررسی می‌کنید، واقعا شگفت‌انگیز است.

چَد باون: یک مورد وجود دارد که به‌طور نسبی شباهت به اقدامات ترامپ دارد. سال ۱۹۷۱، «شوک نیکسون» را داشتیم؛ تعرفه‌ای ۱۰ درصدی که به‌منظور مقابله با عدم تعادل تجاری آمریکا در آن زمان وضع شد.

داگلاس ایروین: در دوره پس از جنگ جهانی دوم یک تعرفه فراگیر وضع شد. این اقدام در اوت ۱۹۷۱ توسط «نیکسون» انجام شد که تعرفه‌ای ۱۰ درصدی به‌طور عمومی روی همه کالاهای وارداتی به آمریکا اعمال کرد. در آن زمان، این تعرفه‌ها به‌عنوان تعرفه‌های متقابل شناخته می‌شدند و عنصری از متقابل بودن در آن‌ها وجود داشت، اما دلیل خاصی برای اعمال این تعرفه‌ها و درخواست مشخصی برای آن‌ها وجود داشت. درخواست این بود که ما از ژاپن و آلمان خواستیم تا ارزهای خود را ارزیابی مجدد کنند. این امر در دوران «سیستم برتون وودز» اتفاق می‌افتاد که در آن نرخ‌های ارز ثابت بودند. ما قادر به کاهش ارزش دلار نبودیم؛ نمی‌توانستیم دلار را پایین بیاوریم. در عوض، باید کشورهای دیگر را متقاعد می‌کردیم که ارزهای خود را به لحاظ برابری با دلار آمریکا ارزیابی مجدد کنند. این سیاست تعرفه‌ای در واقع که اخیرا (طرفداران ترامپ در مورد آن) زیاد صحبت می‌کنند، در واقع نوعی اهرم فشار بود تا این دو کشور را وادار به بازبینی ارزش پول ملی‌شان کنیم. گرچه این تعرفه‌ها شامل کشورهای زیادی شده بود که به‌طور غیرمستقیم نقشی در آن نداشتند، اما این اقدام فشار زیادی بر دو کشور ژاپن و آلمان وارد کرد و این تعرفه‌ها در عرض ۳-۴ ماه لغو شد؛ چون آن‌ها توافق کردند که خواسته‌های آمریکا را اجرایی کنند. آنچه که این‌بار مشاهده نمی‌شود این است که درخواست مشخص چیست؟ به زودی شاهد خواهیم بود که دوجین کشور به آمریکا آمده و درخواست کاهش رقم تعرفه خود را خواهند داشت. بنابراین، به جای داشتن یک مذاکره چندجانبه، مجموعه‌ای از مذاکرات دوجانبه خواهیم داشت که در آن آمریکا مسائل خاص خود را با هر کشور مطرح می‌کند. ما این روند را در سال ۱۹۷۱ با آلمان و ژاپن داشتیم، اما آن زمان وضعیت خیلی ساده‌تر بود و تعرفه‌ها به سرعت لغو شدند. اما یکی دیگر از دلایل اینکه شوک آن زمان به اندازه شوک فعلی تأثیرگذار نبود این است که در سال ۱۹۷۱، تعرفه‌ها به واردات کالاهایی که پیش‌تر بدون تعرفه وارد می‌شدند، اعمال نشدند. در آن زمان، حدود نیمی از واردات آمریکا بدون تعرفه وارد می‌شدند. ما توافقنامه‌های تجارت آزاد نداشتیم، اما واردات زیاد آمریکا به واسطه کالاهایی بود که در داخل تولید نمی‌شدند، بنابراین بر آن‌ها مالیات وضع نمی‌شد؛ مانند قهوه، چای، موز، قلع و امثال آن. این‌بار، اگرچه هنوز تمام جزئیات مشخص نیست، اما به‌نظر می‌رسد که این تعرفه‌ها بر تمامی واردات اعمال می‌شود. بنابراین، در حالی که در شوک «نیکسون»، تعرفه ۱۰ درصدی فقط بر نیمی از واردات آمریکا اعمال می‌شد، این تعرفه‌ها اکنون بر همه چیز اعمال می‌شود و بنابراین، خسارت جهانی آن بسیار بیشتر خواهد بود.

سیاست تعرفه‌ای جدید آمریکا چه اثری روی دلار خواهد داشت؟

سمیه کینز: اکنون بگذارید درباره دلار صحبت کنیم. در ماه‌های اخیر، افراد زیادی در این خصوص اظهار نگرانی کرده‌اند. می‌دانیم که شکایت اصلی رئیس‌جمهور ترامپ هم این است که تراز تجاری آمریکا به‌طور مؤثر و مناسب تنظیم نشده است.

چَد باون: برای پاسخ به این سوال به سراغ «موری آبستفلد» رفتم و از این اقتصاددان ارشد پیشین صندوق بین‌المللی پول، اقتصاددان برجسته در تراز جهانی و البته همکار من در مؤسسه «پیترسون» خواستم تا بگوید که در واکنش به این تعرفه‌ها، چه چیزی را پیش‌بینی می‌کند.

موری آبسفلد: طبق نظریه‌های اقتصادی، زمانی که یک کشور تعرفه‌ای فراگیر و عمومی وضع می‌کند، ارز آن کشور تقویت می‌شود و این تقویت ارز موجب می‌شود تا واردات ارزان‌تر شود که تا حدی اثر تعرفه را خنثی می‌کند، هرچند احتمالا این اثر به‌طور کامل جبران نمی‌شود. همچنین این امر باعث می‌شود که قدرت رقابت صادراتی و لذا صادرات کاهش بیابد. در نتیجه، ممکن است در آینده شاهد کاهش واردات باشیم، اما همزمان کاهش صادرات را نیز مشاهده خواهیم کرد و بسیار مبهم است که آیا کاهش قابل‌توجهی در کسری تجاری خواهیم داشت و یا نه اصلا کاهشی معنادار (به هر میزان در کسری تجاری) به وجود خواهد آمد یا خیر.

سمیه کینز: خب، بنابراین تعرفه‌ها افزایش می‌یابند. ممکن است انتظار داشته باشید که ارزش دلار نیز تقویت شود، اما دیدیم وقتی صحبت‌های ترامپ در «روز تعرفه» پایان یافت، دلار تقویت نشد. در واقع، به‌نظر می‌رسید که کمی تضعیف هم شده است. البته نه به مقدار قابل توجهی، اما در هر صورت مقداری کاهش هم یافت. «موری» در این خصوص به ما چه داری بگویی؟

موری آبسفلد: بر این باورم که تاثیر تمامی این اقدامات بر رشد اقتصادی آمریکا برای نرخ ارز بسیار حائز اهمیت است. چندین مکانیسم وجود دارد. احتمالا واضح‌ترین آن این است که اگر آمریکا به دلیل اثرات انقباضی ناشی از تمامی این سیاست‌ها وارد یک دوره رکودی شود، فدرال رزرو نرخ‌های بهره را کاهش خواهد داد و در نتیجه ارزش دلار کاهش می‌یابد. اگر مردم این پیش‌بینی را داشته باشند، در آن صورت ارزش دلار بلافاصله کاهش خواهد یافت.

سمیه کینز: بازارهای ارز موجوداتی پیچیده و مرموزند. در اینجا نیروهای متعددی وجود دارند که اثرات یکدیگر را جبران می‌کنند. یکی از مسائلی که تحلیلگران به آن پرداخته‌اند این است که آیا فقدان یک فرآیند دقیق و منظم برای وضع این تعرفه‌ها می‌تواند اعتماد به نهادهای آمریکا را تضعیف کند. به‌طور اساسی، قدرت دلار تحت تأثیر این باور است که آمریکا به‌طور نسبی پایدار و قابل پیش‌بینی رفتار می‌کند. شاید این تعرفه‌ها در حال تضعیف این باور هستند.

چَد باون: مدت‌ها است که تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند که چنین اتفاقی خواهد افتاد و به گمانم باید منتظر بمانیم و شاهد باشیم. اساسا اظهارنظر قطعی در مورد ارزها کار خطرناکی است، زیرا نوسانات آنها بسیار زیاد است. اما تا این لحظه، حداقل به‌نظر نمی‌رسد که تحرکات دلار قادر به جبران آثار تعرفه‌ها برای واردکنندگان آمریکا بوده باشد.

چه کسی می‌تواند سیاست تعرفه‌ای ترامپ را متوقف کند؟

سمیه کینز: در نگاهی به آینده، یکی از سؤالات مهم این است که آیا این تعرفه‌ها پابرجا خواهند ماند؟ آیا ممکن است فردی از دستگاه حاکمیت آمریکا از در شکایت وارد شود و فریاد بزند که ترامپ مجاز به انجام چنین اقدامی نیست؟

چَد باون: ترامپ از قانونی به نام «قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی» استفاده کرده است. استفاده از این قانون برای دیگر روسای جمهور در موارد نسبتا نادری اتفاق افتاده اما به‌نظر می‌رسد تیم ترامپ دارد این کار را به یک رویه تبدیل می‌کند. ایده این است که یک وضعیت اضطراری بین‌المللی وجود دارد و رئیس‌جمهور برای مقابله با تهدیدی علیه آمریکا به اقداماتی شدید نیاز دارد.

سمیه کینز: شاید به فندق‌های غرب آفریقا فکر کرده‌اند و این تصور را داشته‌اند که این فندق‌ها واقعا تهدیدی برای آمریکا هستند. ماداگاسکار با تعرفه‌ای ۴۷ درصدی روبه‌رو شده؛ پس باید به این جمع‌بندی برسیم که در ذهن این گروه ماداگاسکار تهدیدی برای امنیت ملی آمریکا شناخته شده است.

چَد باون: در دوران نخستین دوره ریاست‌جمهوری ترامپ، افرادی بودند که تلاش کردند تعرفه‌هایی را که وی به استناد به دلایل امنیت ملی وضع کرده بود، به چالش بکشند. یکی از آن‌ها «کاتلین کلاسن»، استاد حقوق دانشگاه جورج‌تاون بود. از او پرسیدم که از آن پرونده‌ها چه آموخته‌ایم.

کاتلین کلاسن: نتیجه‌گیری کلی در مورد تقریبا تمامی این دعاوی حقوقی این بوده که دولت می‌تواند چنین کاری بکند و در مقابل شکایت‌ها پیروز می‌شود. منظور من این است زمانی که واردکنندگان به دادگاه مراجعه کرده و اظهار کرده‌اند که رئیس‌جمهور یا نهادهای مرتبط از اختیارات تفویض‌شده خود فراتر رفته‌اند یا اینکه اختیارات تفویض‌شده اولیه خلاف قانون اساسی

است، دادگاه‌ها این استدلال‌ها را رد کرده‌اند. این ردصلاحیت‌ها عمدتا بر اساس این اصل بوده که رئیس‌جمهور در حوزه‌ای خاص عمل می‌کند. به عبارت دیگر، این تجارت خارجی معمولی نیست، بلکه این تعرفه‌ها به نحوی با امنیت ملی و اقتصادی کشور مرتبط هستند و هنگامی که رئیس‌جمهور از چنین اختیاراتی استفاده می‌کند، او در موقعیت ویژه‌ای قرار دارد که باید به تصمیمات او احترام گذاشت، خیلی بیشتر از زمانی که شکایت‌ها در مورد یک تجارت معمول است. این استدلالی است که پیش‌تر در هیچ زمینه‌ای مشاهده نشده است، و به همین دلیل، در حال حاضر مباحث جدیدی در رابطه با این اختیارات قانونی هم در سطح عمومی و هم در محاکم قضائی پاگرفته است.

چَد باون: آیا ممکن است این پرونده متفاوت از سایر موارد قبل باشد؟ چگونه می‌توان یک چالشی حقوقی را در برابر اقدام اخیر ترامپ کلید زد؟

کاتلین کلاسن: استدلال‌هایی مطرح شده که این اقدام و به‌ویژه استفاده گسترده و فراگیر از قانون اختیارات اضطراری رییس‌جمهور از حدود خود فراتر رفته و دادگاه‌ها احتمالا این استفاده از قانون را برای این منظور نخواهند پذیرفت. ابعاد مختلفی وجود دارد که اشاره به آن‌ها ضروری است. اولین وجه مساله این است که دادگاه‌ها ممکن است از گستردگی وضعیت اضطراری راضی نباشند، زیرا این اقدام بسیار وسیع است و به‌وضوح با هدف کنگره در زمان تصویب قوانین که رئیس‌جمهور به آن‌ها تکیه کرده، مغایرت دارد. وجه دوم این است که قانون اختیارات اضطراری رییس‌جمهور به‌طور مشخص واژه «تعرفه» را ذکر نکرده است. بنابراین، ممکن است دادگاه‌ها در نظر بگیرند که استفاده از تعرفه‌ها در این زمینه بیش از حد لازم بوده است. با این حال، به‌طور کلی، تا به امروز آنچه که مشاهده کرده‌ایم، تمکین زیاد دادگاه‌ها در قبال چنین مسائلی بوده است.

چَد باون: هیچ راه دیگری برای توقف این تعرفه‌ها وجود ندارد؟

کاتلین کلاسن: باید روشن کرد که اختیارات رئیس‌جمهور، منظوم تمامی آن‌ها اعم از اختیارات اضطراری، ماده ۲۳۲ و ماده ۳۰۱ قانون اساسی و دیگر اختیاراتی که شاید هفته‌های آتی به آن‌ها اشاره کنیم، از سوی کنگره به او واگذار شده است. بنابراین کنگره طبق اصل اول قانون اساسی این قدرت را دارد که این واگذاری‌ها را پس بگیرد، آن‌ها را بازتعریف کند و با کشورهای خارجی تجارت را تنظیم کند. این همان اختیاری است که کنگره در چارچوب قانون اساسی داراست. بنابراین، از طریق قانونگذاری، کنگره می‌تواند وارد عمل شود و تمامی این اقدامات را لغو نماید.

سمیه کینز: «چد» تا چه اندازه احتمال می‌دهی که کنگره وارد عمل شود؟

چَد باون: مگر آنکه اقتصاد به نوعی دچار یک سقوط آزاد شود. منظورم این است که احتمال آن بسیار کم است. اما برای آن‌ها آرزوی موفقیت دارم.

سمیه کینز: اعضاء کنگره خوشحال می‌شوند که بشنوند چقدر موفقیت آن‌ها را آرزو می‌کنی!

آیا راه دیگری برای ترامپ وجود داشت؟

سمیه کینز: قبل از اینکه این اپیزود پادکست را تمام کنیم، باید بگویم اصلا فکر نکنید روزی قسمتی تهیه کنیم و در آن بگوییم این سیاست بهترین ایده‌ای بوده که تاکنون مطرح شده است. ما را که می‌شناسید؟ اما سوال آخر من این است: با فرض اینکه هدف از این اقدام افزایش قابل توجه تعرفه‌ها بوده باشد، آیا این بهترین روش برای دستیابی به هدف بوده است؟ آیا روش دیگری وجود نداشت؟

چَد باون: بله! در واقع، طبق مقررات سازمان تجارت جهانی یک مسیر قانونی برای آمریکا وجود دارد تا تعرفه‌های خود را افزایش دهد و آن مسیر ماده ۲۸ است (*). با این حال، باید هزینه آن را پرداخت کرد، بدین معنا که آمریکا می‌بایست افزایش‌های تعرفه‌ای متقابل از سوی سایر کشورها را در ازای آن بپذیرد. اما واقعیت این است که به‌نظر می‌رسد ما احتمالا شاهد نوعی تلافی متقابل خواهیم بود. اتحادیه اروپا اعلام کرده که یک ماه منتظر خواهد ماند تا با رئیس‌جمهور ترامپ مذاکره کند، اما پس از آن آماده خواهد بود تا اقدام به تلافی کند. اقداماتی که سایر کشورها در این راستا انجام خواهند داد، بدون شک موضوع بسیاری از قسمت‌های آتی پادکست «گفت و شنود تجاری» خواهد بود.

سمیه کینز: «چَد»، آیا واقعا فکر می‌کنی که دولت ترامپ قصد داشت به سازمان تجارت جهانی مراجعه کند و بپرسد: "آیا اجازه می‌دهید با استفاده از فرآیند حقوقی طولانی و پیچیده شما تعرفه‌های خود را افزایش دهیم و می‌شود به ما بگویید با این اقدام کشورهای دیگر چقدر می‌توانند به‌طور متقابل علیه ما اقدام کنند؟"

چَد باون: بله، نکته ظریفی است. اما به هر حال برای این کار یک فرآیند وجود دارد. موضوع دیگری که پیش از تمام شدن این اپیزود می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که فکر می‌کنم هنوز به‌طور دقیق مشخص نیست که سیاست جدید ترامپ در خصوص تعرفه‌ها چه اثری بر کسری تجاری آمریکا خواهد گذاشت. می‌دانیم که ترامپ از کسری‌های تجاری دوجانبه و همچنین کسری کلی تجارت آمریکا با جهان متنفر است. این انگیزه برای اعمال تعرفه‌ها در دستور اجرایی اخیر او بسیار مهم بوده است. من این موضوع را بعد از اتمام ضبط با «موری ابستفلد» مطرح کردم و «موری» به من یادآوری کرد که کسری کلی تجارت آمریکا با جهان یک پدیده کلان اقتصادی است. این نتیجه یک هویت حسابداری بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در سطح ملی است. کسری کلی تجارت آمریکا احتمالا با تغییر تعرفه‌ها تغییرات زیادی نخواهد داشت. اما با تعرفه‌های جدید وضع شده از ناحیه آمریکا، ممکن است کشورهای دارای کسری تجاری با آمریکا تغییر کنند و این تغییر می‌تواند قابل توجه باشد. به‌طور ناگهانی، واردات آمریکا از همه کشورهایی که با این تعرفه‌های بسیار بالا روبه‌رو می‌شوند، به ویژه آن‌هایی که تعرفه‌ای بیشتر از ۱۰ درصد مواجه هستند، شروع به کاهش خواهد کرد و کسری تجاری دوجانبه با این کشورها نیز کاهش خواهد یافت. از نظر نسبی، واردات آمریکا از کشورهای با تعرفه پایین‌تر افزایش خواهد یافت و ما کسری‌های بیشتری با آن‌ها خواهیم داشت. حال حداقل از منظر کارایی اقتصادی با این چالش مواجه خواهیم شد این جابجایی مبادی وارداتی و کسری دوجانبه لزوما به نفع اقتصاد آمریکا نخواهد بود. یکی از دلایلی که آمریکا با کشوری مانند کامبوج کسری تجاری دارد این است که کامبوج در تولید پوشاک بسیار کارآمد است. جهان جای بهتری نخواهد شد اگر آمریکا شروع به واردات پوشاک خود از جایی مانند بریتانیا کند، تنها به این دلیل که بریتانیا با تعرفه ۱۰ درصدی روبه‌رو است و نه ۴۹ درصدی که کامبوج با آن مواجه است. «سوما»، از شما بابت این که از مرخصی زایمان استراحت گرفتید و این هفته با من در «روز تعرفه» همراه شدید تشکر می‌کنم. «روز تعرفه» واقعا روزی ناامیدکننده بود، اما عالی بود که مانند قدیم ما را دور هم جمع کرد.

سمیه کینز: از شما سپاسگزارم و همچنین از شنوندگان به دلیل تحمل صدای ناخوشایندم تشکر می‌کنم.

چَد باون: به پایان برنامه «گفت و شنود تجاری» رسیدیم. از «سمیه کینز» از نشریه «فایننشال تایمز» صمیمانه تشکر می‌کنم. او به زودی به پادکست خود بازخواهد گشت، نام پادکست او «جُنگ اقتصادی با سمیه کینز» است. همچنین از «داگ اروین» و «موری آبستفلد» از مؤسسه پیترسون و از «کاترین کلاوسن» از دانشکده حقوق دانشگاه جورج‌تاون سپاسگزاری می‌کنم.

پانویس

- * «تعرفه‌های اسموت-هاولی» به تعرفه‌های بالای وارداتی اعمال‌شده در آمریکا در سال ۱۹۳۰ اشاره دارند که بر اساس «قانون تعرفه اسموت-هاولی» وضع شدند. این قانون به نام‌های «اسموت» و «هاولی»، دو نماینده کنگره که نقش مهمی در تصویب آن داشتند، نام‌گذاری شد. هدف اصلی این تعرفه‌ها حمایت از صنایع داخلی آمریکا بود و در زمانی که اقتصاد این کشور در حال وارد شدن به دوران رکود بزرگ بود، قانون‌گذاران آمریکا امیدوار بودند که با این سیاست از تولیدات داخلی در برابر واردات خارجی محافظت کنند. تعرفه‌های اعمال‌شده تحت این قانون به‌طور متوسط ۲۰ تا ۳۰ درصد روی بیش از ۲۰۰۰ کالای وارداتی از کشورهای دیگر اعمال شد.
- * ماده ۲۸ «موافقت‌نامه عمومی تعرفه‌ها و تجارت (گات)»: این ماده به فرآیندهایی اشاره دارد که در آن یک کشور می‌تواند تعرفه‌های خود را به‌طور یک‌جانبه افزایش دهد یا تغییرات دیگری در سیاست‌های تجاری خود ایجاد کند. طبق این ماده کشورها می‌توانند تعرفه‌های خود را افزایش دهند، اما باید این کار را به‌طور قانونی و مطابق با شرایطی که در این ماده مشخص شده است، انجام دهند. افزایش تعرفه‌ها معمولا به‌صورت موافقت‌نامه‌های دوجانبه است. به این معنی که کشورهای دیگر نیز ممکن است تعرفه‌های خود را در پاسخ به افزایش تعرفه‌ها افزایش دهند و اگر یک کشور تعرفه‌های خود را افزایش دهد، سایر کشورهای تجاری می‌توانند درخواست کنند که تعرفه‌های مشابهی بر واردات آن کشور اعمال شود. این ماده همچنین نیازمند مذاکرات با دیگر کشورهای عضو و توافقاتی است که در آن کشورها باید منافع خود را در نظر بگیرند و منطق تجاری در نظر گرفته شود.

اصطلاحات

- Smoot-Hawley Tariffs = تعرفه‌های اسموت-هاولی